

# نباید به آمریکایی‌ها اعتماد کرد

صفحه ۲



# برجام یک معاهده رسمی نیست!

صفحه ۲



سخنگوی قوه قضائیه چراییات جدیدی از پرونده دریافت‌های نامتعارف را تشریح کرد

# فهرست ۱۵۰۰ نفره!

اژدهای اسناده حساب‌های قوه قضائیه را به خبرنگاران نشان داد

### تیتراهای امروز

محمدجواد ظریف خطاب به شیوخ مر جمع منطقه:

## بی‌شخصیت‌ها

یک خانمی را به منطقه می‌آورند تا به آنها بگویند ما امنیت شما را تأمین می‌کنیم!



صفحه ۲

سقوط مجدد شهر تاریخی قلب سوریه

## راهبرد آمریکایی داعش در تدمر

صفحه ۱۵

دولت با مدیران نجومی برخورد نکرد، لایحه هم نداد

## تصویب کلیات طرح ساماندهی دستمزد مدیران

صفحه ۳

انفجارهای تروریستی بار دیگر ترکیه را به لرزه درآورد

## ۳۸ کشته در شب خونین استانبول

صفحه ۱۵

### روزخند

## مصاحبه با رئیس‌جمهور معلق کره جنوبی!

حسین قدبانی

خانم پارک گون هما به عنوان اولین سؤال، بفرمایید چه شناخت نسبتاً جامعی از ایران دارید؟

ایران... هر وقت نام کشور شما به گوش من می‌خورد یاد مرحوم سیروس قایقران می‌افتد که در بازی‌های آسیایی یکن باعث حذف کره جنوبی شد. آن تیم شما خیلی خوب بود، عابدزاده، پنجعلی، محمدخانی، پیوس و فتونی‌زاده...

یعنی تا اینقدر؟

بله! من حتی یادم هست شاهرخ بیانی و مجید نامجو مطلق چقدر خوب پاس توی عمق می‌دادند و مهاجمان را تنذیه می‌کردند!

آیا در عالم سیاست هم «پاس توی عمق» وجود دارد؟

چرا وجود ندارد؟ مثلاً من خودم در صفحات سرویس خارجی روزنامه‌های کره جنوبی، اخبار مربوط به دولت اعتدال را پیگیری می‌کردم!

خب!

آنجا متوجه شدم پاس توی عمق افراد «آشنا» یا ناآشنا، چنان معجزه‌های می‌کند که دولت قادر خواهد بود عین آب خوردن از «هفت‌خوان» رد شود! راستی حسین! تو «بیمه» هستی؟

بله!

خب پس خب!

ماه گذشته شاهد بودیم شما روزی ۱۱ بار از همه چشم‌پاها می‌گذر خواهی می‌کنید! چرا؟ چی شده بود خانم پارک؟

آقای که شما باشی، من دوست دلیل مردهای داشتم که به واسطه شریکش، از بعضی شرکت‌های خارجی، برای کمک به موسسات غیرانتفاعی که بعضاً در کارهای عام‌المنفعه هم نقش داشتند، تقاضای پول کرده بود.

خب ادامه‌اش!

ادامه ندارد همین بود دیگر!

یعنی به خاطر همین، مجلس کره جنوبی رای به عدم تکلیف شما داد؟

بله خب! یعنی به خاطر همین، فقط ۴ روز پیش، ۲۷ بار از مردم کره جنوبی عذرخواهی کردید؟ اوهوم!

ای بابا! به جای عذرخواهی، مدعی می‌شدی دوستت و شریکش، امتان را بزرگ و ذخیره‌نظام کره جنوبی هستند!

ایش! خدا مرگم بده!

ادامه در صفحه ۵

## ابلاغی که روحانی نادیده گرفت

دکتر رضا سراج

### یادداشت میهمان

رهبر انقلاب اجرای برجام را منوط به ۲۸ بند کردند که شامل بندهای ده‌گانه مربوط به مصوبه شورایی امنیت ملی، بندهای نه‌گانه در ابلاغ رهبر انقلاب به اسلامی و بندهای سه‌گانه در ابلاغ رهبر انقلاب به رئیس‌جمهور می‌شد. چرایی ابلاغ رهبر انقلاب به ضعف‌های ساختاری و محتوایی متن برجام بازمی‌گردد که از سوی آمریکا تدوین شده بود. این ضعف‌ها موارد زیر را شامل می‌شد:

- ۱- عدم توازن بین داده‌ها و ستاندها
- ۲- باقی ماندن رژیم تحریم‌ها علیه ایران
- ۳- اعلام شفاهی تعلیق برخی تحریم‌های آمریکا
- ۴- الزام ایران به اجرای اقدامات برگشت‌ناپذیر
- ۵- بسته نشدن پرونده PMD و نظارت‌ها
- ۶- آسان‌تر و سریع‌تر شدن مکانیسم تحریم‌های ایران
- ۷- امکان تخلف و نقض عهد آمریکا و اروپا

متن برجام علاوه بر ضعف‌های ساختاری فئوق، حاوی ابهامات و خلأهای قابل توجهی هم بود. وجود ابهام در چگونگی لغو تحریم‌ها و عدم اخذ تضمین کتبی از طرف‌های آمریکایی و اروپایی، عدم اقدام متناسب و متقابل برای مقابله و ممانعت از افزوده شدن تحریم‌ها، عدم تضمین کافی برای نوسازی اراک با حفظ هویت آپسنگین، عدم تضمین مناسب و مطمئن در موضوع معامله اورانیوم با دولت‌های خارجی، عدم تعیین تکلیف چگونگی ابهام‌زدایی از سند برجام، فقدان سازوکار هوشمند و قوی برای رصد و پیشرفت کار، ممانعت از نقض عهد و تخلفات و فریبکاری طرف‌های مقابل، نامشخص بودن اجرای تحقیق و توسعه در دوره ۸ سال و ۱۵ سال در موضوع غنی‌سازی و همچنین رسیدن به ۱۹۰ هزار سو، از همین رو رهبر انقلاب خواستار عدم تعجیل در پذیرش برجام شدند و اجرای آن را نیز منوط به رعایت مفاد ابلاغیه ۲۸ بندی کردند. بنابراین ابلاغ رهبر انقلاب ناظر بر مسدودسازی منفذهای تعبیه‌شده از سوی آمریکا بود. معظم‌له در این ابلاغ، تمهیداتی اتخاذ کردند تا توازن لازم بین تعهدات طرفین ایجاد شود، از جمله: «حل پرونده PMD برای آغاز اقدامات ایران و اعلام کتبی رئیس‌جمهور آمریکا و اتحادیه اروپایی برای لغو همه تحریم‌ها» بدین ترتیب رهبر انقلاب با هوشمندی و درایت سعی کردند از وارد

## کنکاش در مبدا طرح‌های ضدایرانی قرارگاه جنگ تمدن‌ها

رهبری زیگنیو برژینسکی و گری سیک در کنار پروژه «خلیج ۲۰۰۰» در دانشگاه کلمبیا و جان هایکنز و هاروارد بخشی از پروژه را تدوین کرد.

استاد راهنمای تز دکتری پاریس در دانشگاه جان هایکنز کسی نبود جز «فرانسیس فوکویاما» و موضوع پایان‌نامه «روابط ایران و اسرائیل» و اجرای طرح «خاورمیانه جدید» از مسیر برقراری ارتباط ایران و آمریکا به عنوان زیرسازه پیشبرد «صلح خاورمیانه» برای تضمین بقا و امنیت رژیم غاصب صهیونیستی تعریف شد! پروژه مهمی که بلافاصله مورد توجه راکفلرها قرار گرفت و به خرج آنها کتاب شد.

پس همه ماجرا از «دانشگاه» آغاز شد و به واسطه همراهی و تأیید تئوری پردازهای صورت گرفته در حوزه «روابط بین‌الملل» توسط فلاسفه پشت پرده لیبرالیسم بود که «بنیاد جامعه باز» جورج سوروس، بنیاد کارنگی، بنیاد وودرو ویلسون و شوروی روابط خارجی آمریکا و بخش مهمی از کنگره و دولت آمریکا از مذاکرات منتهی به «برجام» به عنوان مسیر مهار تمدن ایرانی-اسلامی استقبال کردند.

این نوع تحلیل فضای کلی حاکم بر پایگاه‌های تمدنی غرب، سوالاتی همچون علت حمایت همزمان نمایندگان سنا اعم از دموکرات و جمهوری خواه از تحریم مجدد ایران در موقعیت فعلی یا حمایت مشترک ولید بن لطلال سعودی و صهیونیست‌های علیرتبه‌ای مثل رؤسای فعلی و پیشین ماساد و جان کری و سوروس و راکفلر از «برجام» را توجیه می‌کند. مطابق نیازهای تمدنی، برنامه‌های سیاست خارجی غرب در حوزه «دولتی» نیز تغییر می‌کند.

این سادانگاری است که در موقعیت بروز اختلافات شکلی میان فلاسفه و اندیشکده‌های وابسته در غرب گمان کنیم فرضاً وزیر خارجه ما به واسطه چند بنابر حضور و سخنرانی در ساختمان بنیاد برادران راکفلر، موفق شده میان اهداف حاکمه تمدنی شکاف ایجاد کند! در حالی که اهداف تمدنی بنیان لیبرال - سرمایه‌داری یکسان است و آنگاه که اختلافی بروز می‌یابد نیز زمان، کیفیت و نحوه اجرای پروژه‌ها و مسیرهای متنوع برای مهار تمدنی ماست که سبب‌ساز شده نه تغییر هدف از شکست ایران به «اتحاد حقیقی» و «پذیرش» به عنوان شریکی با اهداف و ایدئولوژی صد درصد مخالف با زیرسازه‌های ظالمانه تمدن غربی!

ادامه در صفحه ۵

### یادداشت امروز

دکتر زهرا طباطبائی: شاید بتوان گفت یکی از بزرگ‌ترین مشکلات گروه‌هایی از محققان، سیاستمداران، متخصصان و مردم کشورهای فقیر و در حال توسعه درک نادرست از نوع کارکرد سیستم تأمین‌کننده نیازهای تمدنی غرب در مواجهه با جوامع دیگر است. ساده‌شده‌اش این می‌شود که اغلب ما وقتی به آمریکا به عنوان ابرقدرتی برآمده از استعمار و زورگویی و ظلم به سایر ملت‌ها فکر می‌کنیم دولتی منفور را تصور می‌کنیم که به طور مثال در حال حاضر شامل باراک اوباما، جان کری و چند سیاستمدار شناخته شده دیگر است. حداکثر با توجه به موقعیت فعلی که تحریم‌های ۱۰ ساله، خلاف تعهدات برجامی علیه کشورمان به تصویب رسیده، کنگره و مجلس سنای ایالات متحده را نیز به لیست زورگویان بی‌منطق و توطئه‌ساز اضافه می‌کنیم. در این تصویر مخدوش دانشگاه‌ها، مراکز علمی و پژوهشی، اندیشکده‌ها، شرکت‌های نرم‌افزاری و بسیاری از ابزارهای گسترش تمدنی غرب مثل «دانشگاه آکسفورد»، «بنیاد ویکی‌مدیا» یا «شرکت مایکروسافت» را «خوب» و «مهمی» و «خادم به بشریت» ارزیابی می‌کنیم و خیلی ساده میان عملکرد دولت‌های متخاصم غربی و نهادهای تمدنی آنها خط می‌کشیم. اما آیا این تصور و تصویرسازی صحیح است؟

فلاسفه سیاستمدار واقعیت این است که هیچ تمدنی با فکر و اندیشه جدال‌فاده و مستقل سیاستمداران یا دولتمردان خود به گشایشی بزرگ دست نیافته است. در واقع پشت هر سیاستمدار توانمندی دانشمندان و متفکران و فلاسفه‌های هستند که ویرترین حاکمیتی تمدن مذکور را تغذیه می‌کنند. پس وقتی آمریکا تصمیم می‌گیرد ایران پس از انقلاب اسلامی را تحریم و منزوی کرده و از «صدور انقلاب» به جهان جلوگیری کند، نظریه‌های علمی و تمدنی پشت این ماجراست. به قول فلاسفه آمریکایی همچون فرانسیس فوکویاما و ساموئل هانتینگتون هدف از این رویارویی، جلوگیری از ارائه نسخه‌های جدا از نظام لیبرال - سرمایه‌داری برای اداره جهان است. فوکویاما بر مبنای نظریه «پایان تاریخ» خود می‌گوید: «امروز نظام لیبرال - دموکراسی بویژه بعد از فروپاشی اتحاد شوروی به صورت یک جریان غالب و مسلط درآمد است که همه کشورها و جوامع باید در برابر آن تسلیم شوند. آخرین حد تلاش‌ها و مبارزات ایدئولوژی‌های مختلف در نهایت در قالب ایدئولوژی لیبرال - دموکراسی سر برآورده